

خراسان جنوبی روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی

مروری بر آیین های محلی

عروسِ برون

قاسمی

کربلایی کبری چارقد سفید گلدار بر سر می اندازد و راهی خانه عید محمد می شود، کار خیر دارد. دختر نوجوان که در را باز می کند با لبخند نگاهش می کند. چه خبر دختر خوشگل، خانم، هنرمند و ... سراغ حاجی خدیجه مادرش رامی گیردوراهی اتاق نشیمن می شود. مادر، از لبخند هاواشاره هاوگفته‌های در لفافه کربلایی کبری متوجه می شود برای چه مهمانش شده است، کربلایی کبری راهمه اهالی می شناسند، همسر یکی از بزرگان روستاست که حرفشان پیش همه اعتبار دارد. حاجی خدیجه دخترش را به بهانه‌ای از اتاق بیرون می فرستد، دختر پشت در، گوش می ایستد تاببیند چه کسی کربلایی کبری را برای کدخدکاری به خانه شان فرستاده است و ... حالا خواستگاری ها با گذشته از زمین تا آسمان تفاوت دارد و دیگر نه از کد خدا کاری خبری است ونه از نوع آشنایی های آن روزها. حالاحتی تصویری کوتاه از ازدواج ها به سبک گذشته وجود ندارد و خاطره های باقی مانده هم با از دنیا رفتن قدیمی ها، در خاک مدفون می شود. اماپشت هر لحظه ویرنامه‌اش فرهنگ و آیینی از باور های قدیمی نهفته است که در عین سادگی لبریز از صفا و صمیمیتی است که به گفته شاهدان، آن روزها دیگر تکرار نمی شود چرا که لایه لای چشم و همچشمی و تغییرات جدید گم شده است.

رسم کدخدکاری

بانویی ۸۵ ساله بیرجندی از آن روزها خاطره ها دارد. می گوید: ازدواج ها ساده و پایدار بود، وقتی خانواده ای دختر ی را برای پسرش می پسندید سراغ یکی از بزرگان فامیل یا روستا می رفت تا برای کدخدکاری او را قاصد کندو اگر خانواده دختر با خواستگاری موافقت می کردند هر دو طرف از ویژگی های اخلاقی و رفتاری هم پرس و جوی می کردند و آن گاه خانواده پسر همه را با بزرگان فامیل یک شب مهمان خانه عروس می شدند. «فاطمه چاره خواه» ادامه می دهد: آن موقع عروس و دامادها تا قبل از عقد با هم صحبت نمی کردند حتی برخی تا زمان خواستگاری همدیگر را ندیده بودند.

چهارشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۰
ذی الحجه ۱۴۴۲
شماره ۳۵۹۸

اذان ظهر:۱۲:۳۹

غروب آفتاب:۱۹:۴۳

اذان مغرب:۲۰:۰۴

اذان صبح فردا:۳:۵۹

طلوع آفتاب فردا:۵:۳۹

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری خراسان

مدیر مسئول:

محمد سعید احدیان

سردبیر: علی ولیزاده



شب خواستگاری بزرگ ترهای عروس مهربه را معلوم می کردند و چون چیزی خارج از عرف نبود و میزان آن رایج بود خانواده داماد آن را قبول می کردند. گوسفند، زمین، طرف مس، چند طاقه آب و پول شاید دویاسه هزار تومان و بیشتر هر کدام می توانست مهربه عروس باشد. خوب به خاطر دارد که بعد از آن، زمان عقد مشخص می شد که خیلی ها در خانه و برخی هم در محضر عقد می کردند و کمتر می شد قبل از عقد، عروس برای خرید برود. بار چه سفید، قرآن و آینه و یک حلقه از خریدهای مشترک یک بیشتر عروس ها بود. کسی که دارایی داشت شاید یک گردنبند هم برای عروس می خرید مثل حالا سرویس و النگو در کار نبود. معمول بود که عروس تا قبل از ازدواج حتی نخه (اصلاح) نشود. در فاصله عقد تا زمان عروسی هم گاهی داماد برای دیدن عروس به خانه شان می رفت اما رفت و آمد زیاد رسم نبود. به گفته اووقتی زمان عروسی مشخص می شدمشاطه ای به خانه می آمد و عروس را اصلاح می کرد و بعدنوبت حمام بود و در نهایت عروس طی مراسمی راهی خانه داماد می شد در حالی که از چند روز قبل با کمک مادر و خواهر و زنان فامیل جهیزیه عروس و داماد در خانه آن ها چیده می شد، وسایلی که در آن ها اثری از تلویزیون و یخچال و تچملات دیگر نبود و فقط نیازهای اولیه دیده می شد، هر که بیشتر داشت بهتر را می خرید. پرده های ساتن، شاید تعدادی ظرف چینی، قاپلمه های روبی و مسی، تنگ های شیشه ای و ... در جهیزیه دخترهای متمول وجود داشت. کمتر کسی در خانه صندلی داشت و به ندرت جهیزیه می دادند و همه ساده و مثل هم بودند.

رسم خوب مهربه

بانوی ۶۸ ساله دیگری در تکمیل گفته های اومی گوید: قدیم ها مثل حالا نبود که دختر و پسر ها خودشان برای ازدواج کسی را انتخاب کنند بلکه پدر و مادر نظر می دادند و سبته به میزان تمکن خانواده داماد یک کیسه آرد،

دفترمرکز کزی: مشهد،بلوار شهیدصادقی(سازمان آب)

مردوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱-۳۷۶۳۴۰۰۰

پیمابل: ۲۰۰۰۹۹۹

گوسفند و گاهی هیزم یا کنده هم به خانه عروس برده می شد. از سادگی های آن موقع این طور می گوید که خرید، زیاد رسم نبود و هر که داشت حلقه طلا یا برنجی و آینه می خرید و هر که نداشت پادش هم نمی کرد. هر که امکانش را داشت برای مادر و خواهر عروس هدیه و معمولاً کتش می خرید.

حجابندان

شب قبل از عقد، خنار آب می زدند و برخی از فامیل هر دو طرف عروسی، بر دست و پا می گذاشتند. عروس و داماد هم بی نصیب نمی ماندند و خانمی گذاشتند و می خواندند: *چنا حنا میبندم / وُر دست و پا میبندم* / اگر حنا نباشه آب طلا میبندم. روز عروسی، مشاطه ای به خانه می آمد و عروس را می آراست بعد از آن حمام بران، عقد یا عروسی بود گاهی هم زمان حمام عروس و داماد به ویژه در روستاها ساز و دهل بر پا می شد. برخی چند روز قبل از عقد یا عروسی مراسم شادی را شروع می کردند. خانواده عروس به احترام فامیل داماد در شب بار کتون، به تناسب وضعیت مالی خود هدیه ای به آن ها می داد که برای مرادها دستمال و جوراب و برای خانم ها دستمال و روسری بود و مثل حالا از نشان های رنگ و وارنگ خبری نبود. آن روز نوایادمی کند که خرید هاسبک بود ، عروسی ها ساده بر گزار می شد، بی آن که پدر و مادر و خانواده ها مجبور به دادن کادو شوند وغدغه ای در این زمینه داشته باشند. عروس سرویس طلا نداشت واگر پدر داماد پولدار بود چند طاقه آب یا زمین مهربه اش می کرد. خبری از تالار و مجلس نبود داماد مرفه یک گوسفند برای آبگوشت دخیج می کرد. خیلی ها در محضر عقد می کردند و در یک دور همی، بستگان نزدیک پذیرایی می شدند و شاید دویاسه می شد. شیرینی خاصی هم در کار نبود. مرما یا آب نبات های قدیمی و گاهی نقل و نبات بود تا کام مهمانان شیرین شود. شربت و خیلی کمتر شیرینی آردی هم در عروسی ها وجود داشت چرا که اغلب اهالی روستا در جشن حضور داشتند اما در خانه های اعیان و متمولان شام و بساط آبگوشت و برنج یا گوسفند قربانی شده پیا بود. آن موقع مرغ کم بود و اگر کسی چند مرغ یا خروس می کشت بین همه می پیدید. سفره انداختن برای عروس زیاد رسم نبود اعیان که صندلی داشتند عروس و داماد را رو به قبله می نشاندند و آن ها که نداشتند و بالاش روی هم می گذاشتند و شاید قטיפعه مله یا پارچه سفیدی جلوی عروس و داماد پهن می کردند و رویش را باوسایل ساده ای مثل قرآن، آینه، نقل و نبات، شکلات، شیرینی، نان و آب برای برکت می پوشاندند و مانند حالات زینیات مختلف و گران نبود. آن روز ها عروس و داماد با سادگی راهی خانه بختی می شدند، جلوی پای عروس گوسفندی قربانی می شد. دختر ها صندوقی از پارچه های دست باف از صافی حوله مله، سینی مس، قاشق، کاسه سفال و ... می بردند و خبری از سرویس های مختلف و آن چثانی نبود. هر که هر چه داشت همان بود و بیشتر جهیزیه دختر ها تولید خودشان بود. زندگی هابه سادگی شروع می شد و پایدار تر از حالا بود.

سرپرستی استان خراسان جنوبی،بیر جند،خیابان مدرس،خیابان ن باهنر غربی،شماره ۷۷

دفتر سرپرست:۰۵۱-۳۲۴۴۳۹۳۹

تحریریه: ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۰

نمابر تحریریه: ۰۵۶-۳۲۴۴۸۰۵۴

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ:شهرچاپ خراسان

چاپ